



تبلور سه قانون مهم اسلامی در سیره حضرت زهرا (س)

متن سخنان درس اخلاق آیت الله مظاهری با محوریت سیره حضرت فاطمه (س) به شرح زیر است...

ساده زیستی حضرت فاطمه (س) اسوه بشریت
تبلور سه قانون مهم اسلامی در سیره حضرت زهرا (س)

همشهری آنلاین: در آستانه فرا رسیدن سالروز ولادت حضرت زهرا (س) درس اخلاق آیت الله مظاهری با موضوع "نگرشی اخلاقی بر سیره حضرت زهرا (س)" ارائه می‌شود.

متن سخنان درس اخلاق آیت الله مظاهری با محوریت سیره حضرت فاطمه (س) به شرح زیر است:
سه قانون مهم و اساسی در اسلام داریم که عبارتند از قانون 171#&؛ مواسات، قانون 171#&؛ عفاف و حجاب و قانون 171#&؛ ساده‌زیستی. اگر در جامعه به این سه قانون عمل شود، فقر، فساد، رذائل اخلاقی و بسیاری از گناهان و معضلات اجتماعی از جامعه زدوده می‌شود. مفاسدی همچون فساد اداری، فساد اقتصادی و فساد اخلاقی در اثر عمل نکردن به قوانین و احکام اسلام عزیز، به خصوص این سه قانون، پدید می‌آیند.

در آیات مختلف قرآن کریم و روایات شریف اهل بیت 171#&؛ سلام‌الله‌علیهم تأکید فراوانی بر این قوانین شده است. اما آنچه مهم است، اینکه این سه قانون در سیره زندگانی حضرت زهرا 171#&؛ سلام‌الله‌علیها بروز و ظهور جدی دارد و مسلمانان و به خصوص شیعیان وظیفه دارند با مطالعه سیره حضرت زهرا 171#&؛ سلام‌الله‌علیها، آن حضرت را اسوه خود قرار دهند و با پیروی از ایشان رستگار گردند. البته مسلم است که افراد عادی نمی‌توانند مانند حضرت زهرا 171#&؛ سلام‌الله‌علیها باشند، ولی هرکس در حد وسع و توان خود، باید به سیره ایشان پایبند باشد و در فضائل و صفات نیکوی اخلاقی، به آن حضرت شباهت پیدا کند.

حضرت زهرا 171#&؛ س؛ اسوه حکومت صالحان

در اهمیت الگوبرداری از حضرت زهرا 171#&؛ سلام‌الله‌علیها همین بس که امام زمان 171#&؛ ارواحنا فداه ایشان را الگوی عملی خود می‌دانند و می‌فرمایند: 171#&؛ فی ابنة رسول الله لی أسوة حسنة [1] چنان‌که از روایات بر می‌آید، پس از ظهور و اصلاح عالم و نیز در زمان رجعت، حضرت زهرا 171#&؛ سلام‌الله‌علیها اسوه معصومین 171#&؛ سلام‌الله‌علیهم خواهند بود و مصحف شریف ایشان، قانون اساسی در حکومت اهل بیت 171#&؛ سلام‌الله‌علیهم است.

اجرای تام قانون مواسات در سیره حضرت زهرا 171#&؛ س

اسلام، مالکیت شخصی افراد را به رسمیت می‌شناسد؛ به این معنا که هرکس مالک درآمد خود است و حق دارد پس از پرداخت دیون واجب شرعی مانند خمس و زکات، از درآمد خود، متمول شود. اما بر اساس قانون مواسات، در عین حال که همه حق مالکیت دارند، هیچ کس حق ندارد خودگرا، خودخواه و خودمحور باشد. به عبارت دیگر کسی نمی‌تواند فقط به فکر خود و زن و فرزند خود باشد، بلکه همه وظیفه دارند در حد توان دیگران را نیز یاری نمایند و از هم‌نوعان خود دستگیری کنند. قرآن کریم با صراحت می‌فرماید: از آن مال که خدا به شما ارزانی داشته، به دیگران بدهید: 171#&؛ وَآتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ [2] مضمون این آیه شریفه در صدها روایت آمده است. بر اساس آن روایات، شیعه و مؤمن کسی است که هرچه برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم بیسندد و آنچه برای خود دوست ندارد، برای دیگران هم دوست ندارد.

171#&؛ وَيُحِبُّ لَهُ مَا يَحِبُّ لِتَقْسِيهِ وَ يَكْرَهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِتَقْسِيهِ [3] به عبارت دیگر، کسی می‌تواند ادعای ایمان کند که آنچه برای همسر و فرزندان خود می‌خواهد و هر رفاهی برای خانواده خویش فراهم می‌سازد، برای دیگران نیز بخواهد. در غیر این صورت، نمی‌تواند ادعا کند که مسلمان یا شیعه است.

از جمله اصول مسلمانی، دیگرگرایی و پرهیز از خودگرایی است. اگر جامعه اسلامی با تأسی به سیره حضرت فاطمه 171#&؛ سلام‌الله‌علیها به این قانون عمل می‌کرد، این همه مشکلات اقتصادی دامن‌گیر اجتماع و مردم نمی‌شد. حضرت زهرا 171#&؛ سلام‌الله‌علیها در تمام مدت عمر خود، به این قانون بسیار پایبند بودند. حتی وقتی فدک، که اصل آن متعلق به حضرت خدیجه 171#&؛ سلام‌الله‌علیها بود، به دستور خداوند متعال و طبق آیه شریفه 171#&؛ وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ [4] به ایشان واگذار

شد، [5] از درآمدهای آن برای مصارف شخصی استفاده نمی‌کردند. [6]

مخارج زندگی حضرت زهرا « سلام‌الله‌علیها از حاصل کار و تلاش امیرالمؤمنین « سلام‌الله‌علیه تأمین می‌شد. ایشان در رعایت قانون مواسات، بسیار کوشا بودند و درآمد سرشار فدک را به صورت کامل، بین فقرا تقسیم می‌کردند. وقتی هم قادر به کمک مالی نبودند، به دیگران دعا می‌فرمودند. امام مجتبی « سلام‌الله‌علیه می‌فرمایند: در شب جمع‌های دیدم که مادرم در محراب عبادت ایستاده و پیوسته در حال رکوع و سجود هستند و مرتب برای دیگران دعا می‌فرمایند، پرسیدم: چرا برای خود دعا نفرمودید؟ مادرم فرمودند: فرزند عزیزم، قبل از اینکه به فکر خودمان باشیم، باید به فکر دیگران باشیم: « يَا بُنَيَّ الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ [7] اهل بیت « سلام‌الله‌علیهم از شیعیان خود، خدمت به خلق خدا و رعایت قانون مواسات را به صورت جدی انتظار دارند و بخل در این موضوع، آن بزرگواران را آزرده خاطر می‌کند.

فقرا هم باید انفاق کنند

نکته حائز اهمیت در مورد رعایت قانون مواسات آن است که دیگرگرایی، فقط مربوط به متمولین و ثروتمندان نیست، بلکه هرکس به اندازه وسعش، باید به آن اهتمام ورزد. قرآن کریم می‌فرماید: « لِيُتَفَقَّ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُفَقِّ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ [8]

کسانی که ثروت و مال فراوان دارند، باید زیاد انفاق کنند و کسانی که ندارند، به اندازه وسعشان انفاق نمایند. حتی کسی که بسیار در مضیقه است و هیچ کمکی نمی‌تواند بکند، دست کم باید به دیگران دعا کند.

اگر کسی بتواند به هر شکلی، اعم از مادی یا معنوی، به دیگری کمک کند، ولی کوتاهی کند، گناه بزرگی مرتکب شده است. در روایات آمده است که اگر کسی بتواند گره از کار مسلمانی باز کند، ولی در انجام آن کوتاهی نماید، خداوند در دنیا و آخرت او را یاری نمی‌کند. [9]

نزول سوره انسان، پاداش انفاق همراه با ایثار

سوره مبارکه « انسان یا « اهل‌اتی» مفاهیم بسیار آموزنده‌ای دارد که بیان اوصاف « ابرار»، بخشی از مفاهیم بلند آن است. در این سوره، آیاتی راجع به انفاق و اطعام نیازمندان وجود دارد که به باور مفسرین شیعه و سنی، شأن نزول آن آیات، انفاق همراه با ایثار حضرت زهرا « سلام‌الله‌علیها و همسر و فرزندان گرامی ایشان است.

خلاصه داستان این است که حضرت زهرا و امیرالمؤمنین « سلام‌الله‌علیها و همه اهل خانه، حتی فضة خادمه، به واسطه نذری که برای سلامتی حسنین داشتند، روزه‌دار بودند. موقع افطار، گدایی درب خانه را زد و چیزی خواست. حضرت زهرا « سلام‌الله‌علیها و سایر اهل خانه، نان جوئی که برای افطار تهیه کرده بودند را به فقیر دادند. دوباره آن حضرت نان تهیه کردند. این بار یتیمی در زد و مانند دفعه قبل همه اهل خانه، نان خود را به یتیم دادند. برای بار سوم حضرت زهرا « سلام‌الله‌علیها با مشقت نانی تهیه کردند و هنگامی که آماده شد، اسیری در خانه را زد و هرچه نان بود به او دادند.

پس از این انفاق بزرگ، سوره مبارکه « اهل‌اتی» نازل شد و انفاق همراه با ایثار و اطعام خالصانه آنان را چنین توصیف کرد: « وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا [10]

نان جوئی که به دیگران دادند، خودشان دوست داشتند که بخورند و موقع افطار بود، اما نخوردند و ایثار و گذشت و فداکاری کردند و فقط برای رضای خدا و بدون اینکه پاداش یا سپاسی طلب کنند، افطار خود را بخشیدند.

همچنین قرآن کریم در آیه دیگری که در شأن امیرالمؤمنین « سلام‌الله‌علیه نازل شده، می‌فرماید: با اینکه خودشان محتاج بودند، اما خود نمی‌پوشیدند و نمی‌خوردند و به دیگران می‌دادند: « وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ [11]

ساده زیستی حضرت زهرا « س»، اسوه بشریت

حضرت زهرا و امیرالمؤمنین « سلام‌الله‌علیها در همه دوران زندگی، جداً ساده زیست بودند و به خوراک و پوشاک ضروری اکتفا می‌کردند. آنچه شایسته توجه است، اینکه ساده زیستی آن دو بزرگوار از سر اجبار یا به خاطر تنگدستی نبود؛ بلکه حضرت زهرا « سلام‌الله‌علیها فدک داشتند و با این وجود، به زندگی ضروری قانع بودند و ثروت فدک را صرف فقرا و نیازمندان می‌کردند. امیرالمؤمنین « سلام‌الله‌علیه نیز در دورانی که حاکم سرزمین‌های پهناور تحت سیطره اسلام بودند، همچنان

ساده‌ترین زندگی را در بین مسلمین داشتند. حتی وقتی حاکم مسلمین شدند، با یک کوله بار به کوفه آمدند و اگر بنا بود به مدینه بازگردند، با همان کوله‌بار بر می‌گشتند!

امیرالمؤمنین « سلام‌الله‌علیه «خطاب به استانداران خود می‌نویسد: من در مدت عمر به دو قرص نان و دو لباس ساده اکتفا کرده‌ام، شما نمی‌توانید مانند من عمل کنید، اما دست کم با دین‌داری و رعایت تقوا و ورع، مرا یاری رسانید: « اَلَا وَ اِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلٰی ذٰلِكَ وَ لٰكِنْ اُعِيْثُوْنِیْ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِقَّةٍ وَ سَدَادٍ» [12]

ساده زیستی حضرت زهرا « سلام‌الله‌علیها «در مراسم ازدواج، در نوع و مقدار جهیزیه، در مهریه و لباس عروسی و در زندگی روز مره، ساده زیستی ایشان در خوراک و پوشاک و مسکن و ... باید الگوی شیعیان و محبّین آن حضرت باشد. چنان‌که بیان شد، گرچه نمی‌توان دقیقاً همچون حضرت زهرا « سلام‌الله‌علیها «عمل کرد، ولی دست کم باید در مسیر ایشان باشیم و اعمال ما، رنگ و بویی از اعمال حضرت زهرا « سلام‌الله‌علیها «داشته باشد.

زندگی به سه قسم تقسیم می‌شود: زندگی ضروری، زندگی رفاهی و زندگی تجملی. البته لازم نیست مسلمانان مانند حضرت زهرا « سلام‌الله‌علیها «به زندگی ضروری اکتفا کنند، بلکه همگان باید زندگی رفاهی داشته باشند؛ اما آنچه در آموزه‌های دینی به شدت مذمت می‌شود، زندگی تجملی است که باید از آن حذر کرد.

تجمل‌گرایی، آفت جامعه فعلی

صفت مقابل ساده‌زیستی، تجمل‌گرایی است. کسی حق ندارد با تجمل‌گرایی مال خود را صرف امور بیهوده کند. بسیاری از جهیزیه‌ها، مهریه‌ها و حتی سایر شؤونات زندگی مردم نظیر برخی مسافرت‌ها که بی‌نتیجه و بدون هدف هستند، مصداق تجمل‌گرایی است.

اگر مبالغی که توسط دولت و مردم، صرف امور بیهوده و بی‌نتیجه می‌شود، در راه صحیح مصرف شود، می‌تواند گره گشای بسیاری از مشکلات جامعه باشد. اگر این مبالغ، در هر سال، صرفاً خرج ازدواج جوانان می‌شد، قطعاً معضل بزرگ عزوبت ریشه کن می‌شد. وقتی دولت و ملت در جامعه‌ای با روی آوردن به تجمل‌گرایی، از ساده‌زیستی فاصله بگیرند، فقر و فلاکت آن جامعه را فرا خواهد گرفت. قرآن کریم در مذمت اتراف و تجمل‌گرایی می‌فرماید: « وَ اَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا اَصْحَابُ الشِّمَالِ ، فِی سَمُوْمٍ وَ حَمِیْمٍ ، وَ ظِلٍّ مِّنْ یَّحْمُوْمٍ ، لَا بَارِدٍ وَ لَا کَرِیْمٍ ، اِنَّهُمْ کَانُوْا قَبْلَ ذٰلِكَ مُتْرَفِیْنَ» [13]

تجمل‌گراها باید در روز قیامت، زیر دود و هرم جهتم بایستند تا حساب و کتاب پس دهند و سپس به جهتم بروند. آنها به راستی شوم و بدبختند. زیرا در دنیا مترف و تجمل‌گرا بودند. این‌گونه افراد، معمولاً خودخور و خودمحور هستند و همه چیز را برای خود می‌خواهند.

متأسفانه مردم در جامعه کنونی، معمولاً تجمل‌گرا هستند، مگر اینکه توان آن را نداشته باشند. حتی بسیاری از فقرا هم در صدق تجمل‌گرایی هستند و سعی می‌کنند وضعیت زندگی خود را به طبقه متوسط شبیه کنند. افراد متوسط نیز برای رسیدن به وضعیت ثروت‌مندان، تلاش می‌کنند و در این راه، هرچه بیشتر تجمل‌گرایی کنند، خود را موفق‌تر می‌بینند!

این در حالی است که یکی از آثار شوم و زیان‌بار تجمل‌گرایی، گسترش مفاسد اخلاقی و اقتصادی در جامعه است، اما متأسفانه افراد تجمل‌گرا نسبت به این موضوع مهم، هوشیاری لازم را ندارند. خانواده تجمل‌گرا باید منتظر مصیبت بی‌بند و باری و در بسیاری از موارد، ورشکستگی مالی باشد و جامعه تجمل‌گرا، علاوه بر فساد اخلاقی، باید ننگ فقر، فلاکت و تنگدستی مردم را تحمل کند.

اقتصاد اسلام، فقر و فساد ندارد

همه باید توجه داشته باشند که اقتصاد اسلام، فقر ندارد. به عبارت دقیق‌تر، اگر قوانین اقتصادی اسلام به درستی اجرا و عمل شود، فقری در جامعه باقی نمی‌ماند. بنابراین، مفاسد اقتصادی فعلی و گسترش فقر و نارسایی در جامعه، از عمل نکردن کامل به قوانین اسلام سرچشمه می‌گیرد.

اگر ثروت در جامعه به درستی توزیع شود، اگر همه به قانون مواسات عمل کنند و اگر دولت و ملت دست از تجمل‌گرایی و حیف و میل بردارند و به معنای واقعی ساده زیست شوند، حتماً معضلات و نارسایی‌های فعلی و به خصوص فقر و عزوبت، رفع خواهد شد.

جامعه‌ای که خود را محبّ حضرت زهرا « سلام‌الله‌علیها «می‌داند، باید در عمل نیز به سیره ایشان پای‌بند باشد و به اندازه‌ای که می‌تواند، باید نشان دهد شیعه و پیرو حضرت زهرا است.

عفاف و حجاب، بالاترین جایگاه را در سیره حضرت فاطمه زهرا#171؛سلام‌الله‌علیها» دارد. اساساً این موضوع، جایگاه ویژه‌ای در تعالیم دینی دارد؛ زیرا حجاب و عفاف، یکی از ضروریات دین اسلام است و بیش از بیست آیه از قرآن کریم، راجع به آن نازل شده است و اگر روایات حجاب و عفاف را هم بر آن بیفزائیم، یک کتاب قطور می‌شود.

مثلاً بنابر تصریح قرآن کریم، شخصیت اجتماعی خانم‌ها با چادر هویدا می‌شود. به عبارت روشن‌تر، علامت شخصیت و عفت زنان، چادر است و قرآن کریم، به طور جدی از بانوان می‌خواهد که چادر داشته باشند: «؛یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِّلرِّجَالِ وَ بَنَاتِکَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ یُدْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْبِهِنَّ ذَلِکَ اَدْنٰی اَنْ یَّعْرِقْنَ فَلَا یُؤْذِیْنَ» [14]

یا رسول الله! به زن‌ها و دختران و به همه زن‌های مؤمن بگو: چادر سر کنید و با چادر خوب رو بگیرید، زیرا این چادر، علامت شخصیت زن است. این دستور قرآن کریم، نظیر سایر قوانین اسلام، در سیره حضرت زهرا#171؛سلام‌الله‌علیها» ظهور و بروز جدی دارد. وقتی بنا شد ایشان برای عروسی به خانه شوهر بروند، پیغمبر اکرم#171؛صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» دستور دادند چادر سر کنند و در میان زن‌ها به طرف خانه شوهر حرکت کنند. حرکت ایشان به نحوی بود به هیچ وجه در بین زنان، نمایان نبودند تا به آن خانه رسیدند.

علاوه بر این، قرآن کریم از زنان می‌خواهد که سر تا پا پوشیده باشند و می‌فرماید: زنان باید مقنعه داشته باشند و زیر گلو و مو و سایر اعضای بدن آنان که زینت محسوب می‌شود، پوشیده باشد: «؛و لَیْضُرْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلٰی جُیُوبِهِنَّ وَ لَا یُذِیْنَ زِیْنَتَهُنَّ» [15]

حیا و عفت حضرت زهرا#171؛سلام‌الله‌علیها» به اندازه‌ای است که وقتی از ایشان پرسیدند: بهترین زنان چه کسانی هستند، فرمودند: «؛بهترین زنان کسی است که مردی او را نبیند و او مردی را نبیند»؛ «؛حَیْرَ النِّسَاءِ اَنْ لَا یَرِیْنَ الرَّجَالَ وَ لَا یَرَاهُنَّ الرَّجَالَ» [16]

پس از وقایع نامبارک سقیفه بنی‌ساعده، قرار شد حضرت زهرا#171؛سلام‌الله‌علیها» برای دفاع از ولایت به مسجد بروند. به اقرار شیعه و سنی، حضرت فاطمه#171؛سلام‌الله‌علیها» مقنعه سر کردند، سپس چادرس سرتاسری پوشیدند که پاهای ایشان را نیز پوشانده بود. زنان بنی‌هاشم اطراف ایشان را گرفتند و بسیار آرام و آهسته به صورتی که چادر کنار نرود، به طرف مسجد قدم برداشتند. هنگامی که به مسجد رسیدند، مسجد مملو از جمعیت مهاجرین و انصار بود. فوراً پرده‌ای میان زنان و مردان قرار دادند و زن‌ها یک طرف و مردان در طرف دیگر پرده قرار گرفتند. حضرت زهرا#171؛سلام‌الله‌علیها» در آن مجلس خطبه خواندند و به اندازه‌ای خطبه ایشان رسا بود که اکثر مهاجرین و انصار، به گریه افتادند. حتی ابوبکر در آن جلسه گریه و عذرخواهی کرد و گفت: مردم مرا خلیفه کردند. [17]

نکته قابل توجه آنکه حضرت زهرا#171؛سلام‌الله‌علیها» در عین حال که با کلمات و خطبه خود تشیع را احیا کردند، با حرکات خود، عفاف و حجاب را نیز به‌طور کامل رعایت فرمودند. یعنی حضور در اجتماع و فعالیت اجتماعی ایشان، مانع مراعات حجاب و عفاف نشد.

حضرت زهرا#171؛سلام‌الله‌علیها» تا آخرین لحظات حیات، برای عفاف و حجاب اهمیت ویژه قائل بودند. خادمه ایشان نقل می‌کند: در روزهای آخر بسیار ناراحت بودند. وقتی علت را جویا شدم، فرمودند: از این ناراحتی که وقتی مرا تشییع می‌کنند، حجم بدن من پیداست و نامحرمان حجم بدن مرا می‌بینند. خادمه می‌گوید: من یک عماری برای ایشان ساختم. وقتی آن را به حضرت زهرا#171؛سلام‌الله‌علیها» نشان دادم، خوشحال شدند و وصیت کردند که ایشان را با عمار تشییع کنند. گرچه بعداً سیاست اسلام اقتضا کرد که آن حضرت در شب و مخفیانه تشییع شوند، اما امیرالمؤمنین#171؛سلام‌الله‌علیه» به آن وصیت عمل کردند. [18]

وضعیت اسفناک عفاف و حجاب در جامعه فعلی

این صراحت و قاطعیت قرآن کریم راجع به حجاب و عفاف و آن هم سیره حضرت زهرا#171؛سلام‌الله‌علیها» است، ولی متأسفانه جامعه فعلی، نسبت به این فضیلت مهم غافل است و با بی‌توجهی به عفاف و حجاب، دچار مصیبت بزرگ و مهلک شده است؛ حیا، عفت و غیرت، بسیار کم‌رنگ شده و بی‌بندوباری گسترش یافته است و در اثر این مفاسد بزرگ، به انسانیت، ضربات و صدمات جدی وارد شده است.

شیعیان باید با نگاهی گذرا به سیره حضرت زهرا#171؛سلام‌الله‌علیها» از خود بپرسند: آیا جامعه ما عفاف و حجاب دارد؟ چرا در

دانشگاه‌ها، دبیرستان‌ها و حتی در دبستان‌ها، بی‌بندوباری و بی‌عفتی فراوان شده است؟ وضعیت عمومی جامعه، کوچه و بازار، آیا نشانی از عفاف و حجاب فاطمی دارد؟ این وضعیت مسلماً مورد رضایت حضرت فاطمه¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها نیست و خدای ناکرده می‌تواند موجب نفرین حضرت زهرا¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها به این اجتماع شود.

متأسفانه امروزه، چادر که نشانه شخصیت زن مسلمان است، از میان رفته و کم رنگ شده است و بی‌چادری، نشانه شخصیت تلقی می‌شود! وقتی جامعه‌ای خود را پیرو حضرت زهرا¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها می‌داند، باید به عفاف و حجاب حضرت زهرا¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها نیز پایبند باشد. در اوایل انقلاب مردم پایبندی بیشتری نسبت به این مسائل داشتند و می‌توان گفت: زن بی چادر در جامعه نداشتیم.

شعار محبت به اهل بیت¹⁷¹؛ ع، کافی نیست

شعار دوستی و محبت حضرت زهرا¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها بحمدالله به صورت فراوان وجود دارد. در ایام شهادت یا ولادت ایشان، مجالس سوگواری یا جشن برقرار می‌شود. اما این شعار که از محبت قلبی سرچشمه می‌گیرد، در حالی که لازم است، کافی نیست و یک نقص بزرگ دارد و آن عمل نکردن به سیره حضرت زهراست. شعار و محبت قلبی، باید با عمل همراه باشد. همه باید از حضرت زهرا¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها متابعت داشته باشند. حضرت زهرا¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها از زن‌ها و دختران، چادر می‌خواهند. حضرت زهرا¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها بی بند و باری را دوست ندارند و کسی که خود را محب حضرت زهرا¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها می‌داند، باید در صدد جلب رضایت ایشان نیز باشد.

اجتماعی که به دستورات قرآن و عترت عمل نکند، افراد آن، به جای نشاط، یک دنیا غم و غصه و دلهره و اضطراب خاطر و نگرانی پیدا می‌کنند. بسیاری از مشکلات اجتماع ما نیز به علت آن است که مورد پسند قرآن و مورد نظر و عنایت حضرت زهرا¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها نیستیم. برای رفع این مشکلات و جلب نظر حضرت زهرا¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیها نیز راهی جز متابعت از ایشان و الگوگیری از سیره و سبک زندگی ایشان نداریم.

پی‌نوشت‌ها

1. الغيبة (الطوسی)، ص 286؛ الاحتجاج، ج 2، ص 467.

2. نور، 33.

3. امالی الطوسی، ص 478.

4. اسراء، 26.

5. الدر المنثور، ج 4، ص 177.

6. ر.ک: الکافی، ج 7، صص 48-49؛ بحار الانوار، ج 22، صص 295-300 و ...

7. علل الشرایع، ج 1، ص 182.

8. طلاق، 7.

9. بحار الانوار، ج 71، ص 312.

10. انسان، 8.

11. حشر، 9.

12. نهج البلاغه، نامه 45.

13. واقعه، 41-45.

14. احزاب، 59.

15. نور / 31

16. مکارم الاخلاق، ص 233.

17. رک: بحار الانوار، ج 29، ص 215؛ شرح نهج البلاغه، ج 16، ص 211 و ...

18. رک: کشف الغمّه، ج 1، ص 504؛ اسدالغابه، ج 6، ص 226؛ ذخائر العقبی، ص 53 و ...